

استانداردهای ایماندار ۶

زنا مکن

خادم خدا فیروز خانبانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - بهار ۱۳۹۹

خدا به تکاتک شما برکت دهد. چند لحظه دعا کنیم.

ای خدای قدوس، عطا فرما تا دل ما شنوا گردد و بتوانیم کلامت را بپذیریم و درونی کنیم تا در زندگیمان ثمربخش باشد. ما را هدایت کن، در نام عیسی. آمین.

مدتی است که روی موعظه‌ی سر کوه کار می‌کنیم و اکنون قصد داریم این بحث را ادامه دهیم. پس با قرائت متی ۵: ۲۷-۳۰ شروع می‌کنیم.

شنیده/بد که به اولین گفته شده است زنا مکن.

لیکن من به شما می‌گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.

پس اگر چشم راستت تو را بلغزاند، قلعش کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود.

و اگر دست راستت تو را بلغزاند، قطعش کن و از خود دور انداز زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود، از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود.

آمین. خدا به کلام خود برکت دهد.

دو روز پیش در کلیسایی در مورد چشم و گوش صحبت می‌کردم. پایه‌ی موعظه باب یک کتاب جامعه بود. در آن کتاب عنوان شده است: «چشم از دیدن سیر نمی‌شود و گوش از شنیدن خسته نمی‌شود.» در آنجا سلیمان بین دریا و آب‌هایی که به دریا می‌ریزند مقایسه‌ای انجام داده است. او ما را متوجه این چرخه می‌کند. زمانی که آب به صورت باران به دریا برمی‌گردد، می‌تواند بارانی مخرب و یا برعکس پر برکت باشد. چشم نیز وسیله‌ای است که می‌شود به شکل‌های گوناگون از آن استفاده کرد. ما می‌توانیم از حواسی که داریم به شکل مثبت یا منفی استفاده کنیم.

یهودیان سه بار در هفته در کنیسه جمع می‌شدند و کلام خدا را می‌شنیدند و در روزهایی غیر از سبت، هنگامی که فرصت می‌شد در آنجا تورات را می‌خواندند و مردم گوش می‌دادند. اما مسیح آمد تا چیزی که شنیده بودند را به کمال برساند. یعنی معنی اصلی آنچه که در تورات موسی یا همان عهد عتیق مکتوب بود را به شکل کامل مطرح کند. اگر ما در کلام خدا دقیق شویم، متوجه می‌شویم که مسیح مسئله‌ی تازه‌ای را عنوان نمی‌کند بلکه از همان گنج قدیمی استفاده کرده، آن را پرورش داده و در معرض دید همگان قرار می‌دهد. به سخنی از کلام، کلام را به وجود می‌آورد. پولس می‌گوید من چیز تازه‌ای اعلام نکردم بلکه آنچه در تورات آمده را بیان کردم و این خاصیت کلام است. وقتی شاهد رشد جلوه‌های کلام هستیم باید بدانیم بذر آنچه در کلام می‌خوانیم از ابتدا وجود داشته است.

یهودیان پاکترین جامعه‌ی آن عصر را تشکیل می‌دادند و از هر لحاظ از جوامعی که در اطرافشان بود، بالاتر بودند. در اسرائیل آن زمان، بسیاری از شهرها غیریهودی بودند و یونانیان، عیلامی‌ها یا اقوام دیگر در آنجا ساکن بودند. گاهی اوقات نیز فاصله‌ی بین دو شهر یهودی و غیریهودی بسیار کم بود ولی با ورود از یک شهر غیریهودی به یک شهر یهودی به راحتی تفاوت بین رفتار مردمان آن شهرها محسوس بود. چه از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و یا مسائل بسیار دیگر. در حقیقت جامعه‌ی یهود آن زمان از دیگر جوامع برتر بود و مورخین نیز از جامعه‌ی یهود به عنوان بزرگترین و بی‌نظیرترین معجزه‌ی اجتماعی تاریخ یاد می‌کنند. یهودیان آن زمان عادت داشتند به تورات گوش دهند. آنها به دیگران فخر می‌فروختند زیرا به نوعی از آنها بالاتر بودند. مسیح با عنوان نمودن تعالیم خود آنها، حقیقت عمیق‌تری را مطرح کرد.

یهودیان در یکی از ده فرمان داشتند: «زنا مکن.» در واقع اجرای همین فرامین باعث می‌شد بین یهودیان و غیریهودیان تفاوت شگرفی وجود داشته باشد. در جوامع غیریهودی عادت‌های خاصی وجود داشت. به عنوان مثال در سوریه زنا بخشی از عبادت محسوب می‌شد. به همین

ترتیب با حرکت از مصر به سمت کنعان، روند فساد اخلاقی بالاتر می‌رفت. مسیح در اینجا با اقتدار خود صحبت کرده و می‌گوید: «من به شما می‌گویم، هرکس به زنی با نظر شهوت‌آلود نگاه کند، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده است.» درست مانند آیات ۲۱ تا ۲۵ همین باب که خدا به نیت انسان نگاه می‌کند، در اینجا نیز باز خداوند به نیت شخص توجه دارد.

هرچند از نظر ارزش‌ها جامعه‌ی یهودی بالاتر بود ولی باز استانداردهای الهی را برآورده نمی‌ساخت. بسیاری از افراد با ظاهری مذهبی و متدین به خود اجازه می‌دادند به طرز ناشایست به خانم‌ها نگاه کنند. آنچه از دید انسان پنهان بود از نگاه خدا نهان نبود، مسیح به کسانی که از پیروی در مقابل افراد مذهبی شرمسار می‌شدند، چنین گفت: «شگفتا به خاطر نگاه این مردم زناکار از من و سخنانم شرم‌منده می‌شوید...» با توجه به اینکه بی‌بند و باری اخلاقی در جامعه‌ی یهودی رواج نداشت، بسیاری از مفسران معتقدند که این سخن مسیح جنبه‌ی روحانی دارد در حالی که وقتی از نسل زناکار صحبت می‌شود به این خاطر است که مسیح متوجه‌ی نگاه‌هایی که وجود داشته می‌شود و از نظر خدا آن نگاه‌ها گناه به حساب می‌آید.

نگاه در شکل‌گیری گناه نقش مهمی دارد. درباره‌ی گناه اولیه، در پیدایش ۳:۶ چنین می‌خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوش‌نما و درختی دلپذیر و دانش‌افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.» در بخش اول آیه آمده است: «و زن دید» یعنی فکر کرد. در این آیه کلام خدا از یک رفتار گذرا صحبت نمی‌کند بلکه اشاره به کسی دارد که بر چیزی متمرکز می‌شود. در تفکر یهودیان آنها زمانی پاک بودند که با زن دیگری زنا نمی‌کردند و اگر یک فریسی عملاً زنا نمی‌کرد احساس می‌کرد که در حضور خدا پاک است.

روزی از شخصی که به عکس‌های بد در کامپیوتر نگاه می‌کرد، پرسیدم چرا به چنین عکس‌هایی نگاه می‌کنی؟ در پاسخ گفت: «دیدن چنین صحنه‌هایی برایم لذت‌بخش است.» یعنی

تصور چنین وضعیت‌هایی برایش لذت‌بخش بود. مسیح می‌گوید که اگر تو به زنی با چشم بد نگاه کنی همان دم با او زنا کرده‌ای.

می‌دانیم در کتاب مقدس، معمولاً قبل از اینکه عملی انجام شود از احساساتی که وجود دارد، صحبت می‌شود. در مورد زنا کردن نیز در اکثر موارد به نگاه کردن اشاره شده است. در پیدایش ۲:۳۴ می‌خوانیم: «و چون شکیم بن حمور حوی که رئیس آن زمین بود، او را بدید، او را بگرفت و با او همخواب شده، وی را بی‌عصمت ساخت.» پس ابتدا او را دید و به او دقیق شد سپس عمل ناشایست انجام داده و او را بی‌عصمت کرد. همان‌طور که کلام خدا می‌گوید: «شهوت حامله شده و گناه را می‌زاید.» به یاد داشته باشید و از یاد مبرید که دقیق شدن به خانم‌ها و حرکات‌های بدنی آنها بدان معنی است که مسح شیطان بر شما قرار گرفته است.

در پیدایش ۷:۳۹ چنین می‌خوانیم: «و بعد از این امور واقع شد که زن آقایش بر یوسف نظر انداخته، گفت: با من همخواب شو.» در اینجا نیز زن فوطیفار ابتدا نگاه می‌کند و بعد وارد عمل می‌شود تا یوسف را وسوسه کند. پس می‌بینیم که کلام خدا ما را متوجه احساساتی که ممکن است در درونمان ایجاد شود، می‌کند و به ما نشان می‌دهد که گناه از کجا شروع می‌شود. اغلب اوقات انسان‌ها از ترس از دست دادن جایگاه اجتماعی خود گناه نمی‌کنند و اگر این ترس نبود، به طور حتم قتل‌ها و زناهای بی‌شماری به وقوع می‌پیوست. همان‌طور که اکنون شاهد تمام این مسائل در اروپا هستیم زیرا در آنجا دیگر افراد نمی‌ترسند که به خاطر زنا، متهم شوند به همین دلیل کلیه‌ی نظام اخلاقی اروپا به هم ریخته است.

در ایوب ۱۵:۲۴ آمده است: «چشم زناکار نیز برای شام انتظار می‌کشد و می‌گوید که چشمی مرا نخواهد دید و بر روی خود پرده می‌کشد.» در آن زمان خصوصاً در مشرق زمین، مردم اغلب از ترس واکنش جامعه دست به گناه نمی‌زدند و در صورت ارتکاب به گناه، سعی می‌کردند عملشان در خفا باشد. امروز هم در مشرق زمین چنین خصوصیتی، یعنی انجام گناه در خفا، وجود دارد. جامعه یهود نیز از چنین ساختاری برخوردار شده بود، به طوری که حتی صحبت

کردن یک زن و شوهر در ملاء عام قبیح بود. دقیقاً به همین دلیل وقتی مسیح با زن سامری صحبت می‌کرد شاگردانش متعجب شدند اما جرأت هم نداشتند به او بگویند چه کار می‌کنی؟ پس قوانینی در جامعه یهود وجود داشت که مانع از انجام گناه می‌شد؛ چه قوانین الهی و چه قوانینی که خود انسان‌ها وضع کرده بودند.

در حال حاضر در جوامع اروپایی انسان خود را به شکلی که هست، نشان می‌دهد و جالب اینجاست که بیشتر افراد محافظه‌کاری که در اروپا تماشاگر فیلم‌های متبذل سینمایی هستند، شرقی می‌باشند. البته اکنون به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که برای نمایش این‌گونه فیلم‌ها انجام می‌شود، گویی قباحات آن کمتر شده است ولی زمانی که اکران چنین فیلم‌هایی کاملاً قبیح بود، اغلب افرادی که به این سینماها وارد می‌شدند مراکشی، عرب، سنگالی و یا از دیگر جوامع شرقی بودند. حتی در بعضی موارد می‌بینیم شخصی که اعتباری در جامعه‌ی خود دارد وقتی وارد کشور دیگری می‌شود، دست به کارهای ناشایست و کثیفی می‌زند که شاید در کشور خود آنها را انجام ندهد. خدا این جنبه از زندگی اشخاص را محکوم می‌کند و همچنین تمامی جوانبی که به صورت بالقوه، در زندگی انسان‌ها وجود دارند را مورد نظر قرار می‌دهد.

خدا خطاب به فریسیان و آن دسته از یهودیانی که فکرهای فاسد داشتند می‌گوید: «چشمان خود را بر هم می‌زند تا دروغ را اختراع نماید و لب‌هایش را می‌خاید و بدی را به انجام می‌رساند.» (امثال ۱۶: ۳۰). کلام می‌گوید چنین شخصی چشم خود را می‌بندد در حالی که تصورات پلید دارد و لب‌های خود را می‌بندد و در آن دم گناه می‌کند. پس فقط مسیح نبود که این‌گونه مسائل را به یهودیان گوشزد می‌کرد بلکه در عهد عتیق نیز به آنها اشاره شده بود. نتیجه اینکه خدا شخصی که در نیت خود گناه می‌ورزد را می‌بیند. کسی که به صحنه‌هایی چشم می‌دوزد و تصورات بدی در مورد دیگران در ذهن خود می‌پروراند و یا با دوستانش راجع به چنین مسائلی صحبت می‌کند، از نظر خدا گناهکار است و تمامی این مسائل نزد خدا مکروه می‌باشد.

در زمان عهد عتیق اگر مرد متأهلی به دختری نگاه می‌کرد، گناه محسوب نمی‌شد ولی مسیح با تشریح فرمان «زنا مکن» هدف خدا را از اعلام این فرمان بیان می‌کند و این افراد را مخاطب قرار می‌دهد. ایوب، یکی از شخصیت‌های بزرگ عهد عتیق، در نخستین آیه از باب ۳۱ کتابش می‌گوید: «با چشمان خود عهد بسته‌ام پس چگونه بر دوشیزه‌ای نظر افکنم؟» در آن زمان عیب و ناپسند نبود که افراد بارها ازدواج کنند اما در همان عصر، ایوب با چشمان خود عهد بسته بود که به زنان دیگر نگاه نکند و خود را آن قدر آزاد فرض نمی‌کرد که دست به چنین عملی زده و بگوید خدا آن را منع نکرده است. چون او توسط روح‌القدس تقدیس شده بود، به عنوان یک مرد متأهل، به دختران نگاه نمی‌کرد و دقیقاً به خاطر همین مسائل بود که خدا به شیطان گفت: در او عیبی پیدا نکردی.

در عبرانیان ۴:۱۳ آمده است: «نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرنجس زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود.» در اینجا منظور از زانیان کسانی هستند که به دنبال زن مردم می‌روند و فاسقان افرادی هستند که با وجود اینکه ازدواج کرده‌اند به دنبال دختر مردم می‌روند. یهودیان فرمان «زنا مکن» را داشتند که حافظ ساختار اجتماعی آنها می‌شد. زمانی که مسیح به گناهی که از دل برمی‌آید اشاره می‌کند، در خصوص همین مسئله نیز صحبت می‌کند.

خداوند عیسی مسیح در آیه‌ی ۲۹ چنین ادامه می‌دهد: «پس اگر چشم راست تو را بلغزند، قلش کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود.» مسیح وضعیت شخصی که چنین جسارتی دارد را نشان می‌دهد و با گفتن این جمله که اگر چشم تو باعث لغزش می‌شود، قلش کن، به ما می‌فهماند که باید چگونه مراقب نگاه‌های خود باشیم. شخصی که عادت به دیدن فیلم‌های مبتذل دارد، به گناه کشیده خواهد شد و فردی که مواظب نگاه‌های خود نیست به سمت گناه خواهد رفت.

در دوم سموئیل ۱۱:۲-۳ می‌خوانیم: «و واقع شد در وقت عصر که داود از بسترش برخاسته، بر پشت‌بام خانه‌ی پادشاه گردش کرد و از پشت‌بام زنی را دید که خویشتن را شستشو می‌کند و آن زن بسیار نیکومنظر بود. پس داود فرستاده، دربارهی زن استفسار نمود و او را گفتند که آیا این بتشیع، دختر الیعام، زن اوریی حتی نیست؟» داود به خاطر این محکوم نشد که یک لحظه چشمش به بتشیع افتاد بلکه چون به او دقیق شد، به سمت گناه رفت و تمام بی‌برکتی‌ها نیز به همین دلیل وارد زندگی‌اش شد. داود جسارت انجام آن کار را داشت اما بسیاری جرأت و جسارت انجام گناه را ندارند و البته که این آیات شامل حال آنها نیز می‌شود.

این آیات جنبه‌ای دوگانه دارند. به عنوان مثال در آیه‌ی ۲۸ آمده، هر کس به زنی با نظر شهوت‌آلود نگاه کند. این آیه در ترجمه‌ی یونانی به این شکل است: «کسی که به زنی نگاه می‌کند تا او را به سمت زنا و افکار زناآلود سوق دهد.» بله، ممکن است فردی با نگاه‌های خود طرف مقابل را به گناه بکشاند. با نگاه می‌توان کارهای بسیاری انجام داد. مخصوصاً در جامعه‌ی بسته‌ی آن زمان، افراد با نگاه‌های خود کارهای بسیاری انجام می‌دادند.

مسیح به نسل زناکار اشاره کرده و می‌گوید که شما در مقابل آنها از کلام من خجالت می‌کشید. پس کسی که با طرز پوشش و یا رفتار خود باعث گناه کردن دیگری شود، شریک در گناه محسوب می‌گردد. برادر برانهام می‌گفت: «زمان داوری خدا تنها کسانی که چشم بد داشته و به زن مردم نگاه می‌کردند داوری نمی‌شوند بلکه کسانی که باعث گناه و لغزش دیگران می‌شوند و با طرز پوشش خود دیگران را به سمت گناه می‌کشاند نیز داوری خواهند شد.»

اینجا صحبت از مردی است که سعی دارد با نگاه خود زنی را مجذوب کرده و در ذهن خویش گناه می‌کند. این آیات می‌تواند شامل حال زنی که با پوشش نامناسب و آرایش وارد اجتماع شده و دیگران را به لغزش می‌کشاند نیز بشود. آنها نیز به جرم زنا محکوم خواهند شد. خواست مسیح این است که یک ایماندار از تمامی مکان‌ها و موقعیت‌هایی که باعث لغزش او و یا دیگران می‌شود دور باشد. چنانچه روشن است این آیات جنبه‌ی دوگانه دارد؛ یعنی فرد با

نگاه کردن، هم خود گناه می‌کند و هم باعث گناه دیگری می‌شود. پس بهتر است از چیزهایی که ممکن است ظاهراً زیبا به نظر برسند فاصله بگیرید تا اینکه در جهنم افکنده شوید.

مسیح در آیه‌ی ۳۰ به شکلی قویتر از «جهنم» صحبت می‌کند و می‌گوید: «اگر دست راست باعث لغزش تو شود آن را قطع کن و از خودت دور ساز زیرا بهتر است یکی از اعضایت از بین برود تا اینکه کل وجودت وارد جهنم شود.» خداوند ما با ارائه‌ی این تصویر قوی بر نکته‌ی دیگری تأکید می‌کند. در واقع دست راست نشانه‌ی فعالیت است. ما برای ترقی و پیشرفت در جامعه باید بعضی کارها را انجام دهیم. یوسف می‌توانست با پذیرفتن پیشنهاد زن فوطیفار به موقعیت بالاتری دست پیدا کند، چه بسا اگر تن به خواسته‌ی زن فوطیفار می‌داد کار به قتل فوطیفار نیز می‌رسید. قطعاً زن فوطیفار به یوسف وعده‌هایی داده بود که می‌توانست باعث بالاتر رفتن موقعیت اجتماعی او شود و می‌دانیم که یک زن بانفوذ می‌تواند کارهای بسیاری در اجتماع انجام دهد. یک ضرب‌المثل معروف می‌گوید: «پشت یک مرد موفق یک زن وجود دارد.» البته این ضرب‌المثل می‌تواند جنبه‌ی منفی نیز داشته باشد. یوسف ترجیح داد به زندان برود تا اینکه تن به گناه دهد. گاهی زندگی پاک ما و حفظ حرمت خدا باعث می‌شود تا جایگاه خود را در اجتماع از دست دهیم. در جوامع به اصطلاح باز علت پیشرفت برخی از خانم‌ها تن دادن به اعمالی ناشایست است زیرا آنها به نیت مدیر خود پی برده و حتی زنا نیز می‌کنند.

در آیه‌ی ۲۱ صحبت از قرار گرفتن در معرض گناه است ولی در آیه‌ی ۳۰ بحث فعالیت‌های ماست. اگر دست راست تو قطع شود یعنی نتوانی فعالیتی انجام دهی بهتر از این است که کاری انجام دهی که باعث نابودی‌ات شود. این مسئله می‌تواند جنبه‌ی روحانی نیز داشته باشد. زمانی که صحبت از زناست، می‌توان با کمی ژرف‌نگری آن را در زندگی روحانی خود بسط داد. به عنوان مثال گاهی با حسرت به دنیا نگاه کرده و می‌گوییم: «کاش می‌توانستم در مجلس رقص حضور داشته باشم. کاش می‌توانستم به این شکل لباس بپوشم. کاش می‌توانستم فلان کار را انجام دهم...» در چنین موارد نسبت به خدا زنا می‌کنیم، پروراندن بسیاری از ای کاش‌ها در

ذهنمان، زنا نسبت به خداست. یعقوب در رساله‌ی خود می‌گوید دوست داشتن دنیا و حسرت کشیدن برای زندگی کردن مطابق خواست دنیا، زنا نسبت به خداوند است. مسائل ظریفی وجود دارد که گاهی اوقات مسیحیان از درک آن غافلند. وقتی شخصی با مسیح عهد می‌بندد، نسبت به دنیا می‌میرد. حال او دیگر عروس عیسی مسیح است و هنگامی که برای جلوه‌هایی که شیطان ارائه می‌دهد، راه باز می‌کند و حسرت آنها را می‌کشد در حقیقت نسبت به خدا زنا می‌کند.

زن لوط با وجود اینکه از سدوم و عموره خارج شده بود ولی باز دلش در آنجا بود. گاهی اوقات ممکن است یک ایماندار دلش در دنیا باشد ولی به خاطر ترس از مسیح یا ترس از جهنم ظاهراً از دنیا جدا شده باشد. این شخص از نظر خداوند زناکار محسوب می‌شود. یعقوب می‌گوید ای زانیان آیا نمی‌دانید دوست داشتن دنیا بی‌وفایی نسبت به خدا قلمداد می‌شود؟ زمانی می‌توان بر تمام این نیروها فائق شد که بتوانیم متوجه هدف بالاتری باشیم که خدا برای ما در نظر گرفته است.

ابراهیم متوجه این هدف شد و حرکت کرد و توانست از این دنیا دست بکشد. موسی نیز توانست از تمام زیبایی‌های مصر دست کشیده و حرکت کند. ما باید یاد بگیریم که دید درستی داشته باشیم، به خداوند نگاه کنیم و از او بخواهیم که همواره رؤیایی آسمانی به ما نشان دهد. در مزمور ۱۷:۲۲ چنین عنوان می‌شود که «همه‌ی استخوان‌های خود را می‌شمارم. ایشان به من چشم دوخته، می‌نگرند.» در این مزمور همان واژه‌ای به کار رفته که در ایوب ۱:۳۱ داشتیم؛ یعنی فعل «Bin» که به معنی «دقیق شدن» است. این آیه چنین معنایی دربردارد که اگر ما یاد بگیریم به جای نگرستن به جلوه‌های دنیا و چیزهایی که ارائه می‌دهد به سوی مسیح نگاه کنیم، نگاه ما فاسد نمی‌شود. البته گاهی اوقات نیز ممکن است نگاه‌های ما به دنبال مذاهب یا فلسفه‌های عالی باشد.

پولس در دوم قرن‌تیا ۱۱:۳-چنین می‌گوید: «کاش که مرا در اندک جهالتی متحمل شوید و متحمل من هم می‌باشید. زیرا که من بر شما غیور هستم به غیرت الهی. زیرا که شما را به یک شوهر نامزد ساختم تا با کراهی عقیقه به مسیح سپارم. لیکن می‌ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوّا را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی‌ای که در مسیح است، فاسد گردد.» خدا به کلام خود را برکت دهد.

شخصی صحبت می‌کرد و می‌گفت در بسیاری از کلیساهای پروتستان هنگام دعا، حضور روح احساس نمی‌شود ولی در کلیساهای کاتولیک این‌طور نیست. قصد ندارم اکنون از کلیساهای کاتولیک به بدی یاد کنم ولی معمولاً مذاهب چیزهای جذابی ارائه می‌دهند که می‌تواند افراد را فریب دهد. سال گذشته خبرنگاری از مراسم مذهبی نقاط مختلف دنیا تصویربرداری می‌کرد؛ از مراسم عاشورا، معبد زرتشتیان، کنیسه یهودیان و مراسم کلیسای پروتستان. وقتی وارد کنسیه و کلیسای پروتستان شده بود، می‌گفت: اصلاً مراسم جالبی نیست. بیشتر اوقات مسیح در سادگی کار می‌کند. بسیاری هستند که به خاطر مسائل گیرای دنیا، جذب آن می‌شوند. به عنوان مثال یک الهیات زیبا جایگزین خدا در زندگی آنان می‌شود و اینها می‌تواند شخص را به سمت زنا‌ی روحانی سوق دهد. در واقع آن شخص به زیبایی‌هایی که یک فلسفه یا یک منطق یا یک مذهب نشان می‌دهد دقیق می‌شود.

حوّا، فریب خوش‌منظر بودن درخت را خورد. همه‌ی ما راجع به ذرّیت مار شنیده و یا خوانده‌ایم و می‌دانیم که شیطان سعی می‌کند از زیبایی استفاده کند تا اغوا کند. در حالی که خدا همیشه کار خود را در سادگی انجام می‌دهد. اشعیای نبی نمی‌گوید که مسیح با لباس باشکوهی آمد بلکه می‌گوید چه کسی متوجه قدرت نجات‌بخش خدا شد، همانند یک نهال کوچک در بیابان رشد کرد که در واقع صحبت از سادگی مسیح است. گاهی اوقات بعضی از مذاهب آنقدر کاذب هستند که انسان فکر می‌کند با ورود به آنها، وارد درک عمیق‌تری از دنیا می‌شود. افراد بسیاری در آفریقا گمان می‌کنند با احضار ارواح، وارد دنیای اسرارآمیز می‌شوند.

بسیاری نیز تصور می‌کنند که در عرفان اسرار زیادی نهفته است و دنیای عرفا سحرآمیز است. زمانی که شیطان می‌خواهد مردم را فریب داده و اغوا نماید، به آنها این تفکر را القا می‌کند که وارد درک فوق العاده‌ای شده‌اند در حالی که کلام خدا از آن به عنوان عمق‌های شیطان یاد می‌کند. شیطان همین ترفند را در مورد حوّا به کار برد.

همچنین است وقتی که کتاب امثال باب ۹ مسئله‌ی آب مخفی را مطرح می‌کند. (قسمتی که صحبت از دو زن است که یکی پیغام حکمت دارد و دیگری پیغام جهالت). زنی که پیغام جهالت دارد می‌گوید بیا و از آب مخفی و از آب ربوده شده بنوش. انسان فکر می‌کند چیزی که مخفی است حتماً فوق العاده است ولی با نگاه کردن به مسیح، متوجه می‌شویم چیزهای که زیبا به نظر می‌رسند گاهی اوقات بسیار کثیف می‌باشند! در یک گروه شیطان پرست، شخصی همیشه می‌دید که فرشتگان به سراغش می‌آیند اما زمانی که شیطان خواست او را از بین ببرد، چهره‌ی کریه تمام دیوها برایش مشخص شد. در بسیاری از باورها و فلسفه‌ها، دیوهای مخوفی نهفته‌اند. شیطان از یک درخت خوش‌منظر استفاده کرد و آدم و حوّا متوجه درخت حیات نشدند.

در امثال ۲۳:۳۳ می‌خوانیم: «چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید و دل تو به چیزهای کج تنطق خواهد نمود.» منظور شرابی است که می‌تواند انسان را به سمت زنا سوق دهد. چنانچه در امثال ۲۳:۲۷ آمده: «چونکه زن زانیه حفره‌ای عمیق است و زن بیگانه چاه تنگ.» در کتاب مقدس واژه‌ی عبری «زُرا» معنای دوگانه‌ای دارد؛ یعنی هم به زن‌های غریبه اشاره می‌کند و هم اینکه راجع به زن‌های شوهردار صحبت می‌کند و این دو معنی از آیات استنباط می‌شود که واقعاً عجیب هستند. کسانی که به خودشان اجازه می‌دهند به چنین محافلی بروند در نهایت (مثل افراد در طیاتیرا) به سمت عمق‌های شیطان روانه خواهند شد. (مکاشفه ۲:۲۴).

زنا، نشانه‌ی بی‌وفایی روحانی است. پس باید مراقب باشیم تا جلوه‌های این دنیا ما را به سمت زنا سوق ندهد، چه زنا‌ی جسمانی و چه زنا‌ی روحانی. با هدایت افکار خود به کمک و مدد روح‌القدس، می‌توانیم از گناه دوری کنیم. آمین.

خدا به تکاتک شما برکت دهد.